

میراث باغ ایرانی

در جستجوی ردپای باغ ایرانی از شرق تا غرب

محمد رضا مهربانی گلزار

عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۷

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۸/۱۲/۲۹

چکیده | باغ ایرانی یک کالبد نیست، یک فرهنگ است. مجموعه‌ای است از هنر، معماری، نظام گیاهی، نظام آبیاری، اعتقادات، ادبیات شفاهی، سبک زندگی و قواعد زیبایی‌شناسی. در نتیجه ردپای باغ ایرانی را تا جایی که این فرهنگ حضور دارد، می‌توان دنبال کرد. اگرچه گستره باغ ایرانی غالباً به سرزمین ایران محدود شده، اما اگر باغ را یک امر فرهنگی در نظر بگیریم، می‌تواند حوزه نفوذ وسیع‌تری را در بر گیرد. شواهد ارائه‌شده در این پژوهش که جوانب تازه‌تری از باغ ایرانی را بررسی کرده، حاکی از گسترش باغ ایرانی تا کرانه اقیانوس اطلس از غرب و تا میانه چین از شرق است. همچنین ردپاهایی از آن در شرق آفریقا و منطقه سواحیلی قابل رؤیت است. بنابراین می‌توان تصویری نو از میراث باغ ایرانی ترسیم کرد که اصالت، غنا و تعامل آن با جهان را توضیح می‌دهد و دلیل ماندگاری آن در طول تاریخ را آشکار می‌کند.

واژگان کلیدی | باغ ایرانی، گستره، چین، اسپانیا، هند، آفریقا.

به اعتقاد بهستی (۱۳۸۷) سه الگوی اصلی در باغ‌های جهان وجود دارد: الگوی باغ چینی، الگوی باغ ایرانی و الگوی باغ شمال مدیترانه‌ای. او این سه الگو را منحصر به باغ ندانسته و با مظاهر فرهنگی دیگر همچون مکاتب آشپزی در جهان که به همین سه مکتب اشاره دارد متناظر می‌داند. از دیدگاه او مبنای تعریف الگوها «فرهنگ» است نه «شکل» یا «جزای» تشکیل‌دهنده باغ. منشأ و فصل مشترک همه ساخته‌های انسان، فرهنگ است پس می‌توان به همه آثار انسان نظر کرد. این پژوهش، تنها به دنبال ردپاهایی در فرم و ساختار باغ نیست، بلکه معتقد است باغ و منظر یک «فرهنگ» است که در سایر شئون زندگی انسان نیز اثرگذار است. این اثرگذاری گاهی در انتقال گیاهان از یک سرزمین به نقطه‌ای دیگر و گاهی نیز در اسامی و نام‌ها، گاهی در ادبیات و حتی در نوع نگاه به باغ و قواعد زیبایی‌شناسی یک فرهنگ، قابل ردیابی است.

مقدمه | قلمرو باغ ایرانی در جهان تا کجاست؟ آنچه امروزه به‌عنوان یکی از سبک‌های اولیه باغسازی در جهان شناخته می‌شود تا چه سرزمین‌هایی گسترده شده و یا چه فرهنگ‌هایی را تحت تأثیر قرار داده است؟ این پژوهش با جست‌وجو در ردپای باغ ایرانی در جهان قصد دارد گستره جدیدی را برای حوزه نفوذ باغ ایرانی ترسیم کند. هنگامی که از سرزمین ایران صحبت می‌شود به‌طور مرسوم به بخشی از جهان که از غرب محدود به بین‌النهرین و از شرق تا ماوراءالنهر گسترده شده اطلاق می‌شود. غالب باغ‌های به‌جامانده نیز در این محدوده هستند، اما «باغ ایرانی» به‌عنوان یک الگوی باغسازی صرفاً در این محدوده سرزمینی به‌کار نرفته است و شواهد نشان می‌دهد که میزان اثرگذاری آن در شرق و غرب بسیار فراتر است.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۱۱۴۷۵۳، mehrobani777@yahoo.com

فرضیه

استنتاج‌های مربوط به میراث باغ ایرانی در سایر نقاط جهان عمدتاً متأثر از تطبیق سبک‌ها و تحلیل‌های فرم‌گرایانه است. آیا مستندات و شواهد صرفاً به تحلیل فرم کفایت می‌کند یا نیازمند دلایل متنوع‌تری است؟

به نظر می‌رسد که جست‌وجو در مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ باغسازی و شواهد ضمنی و غیرمستقیم نشان‌دهنده گستره وسیع‌تری از آثار باغ ایرانی در جهان است. بنابراین می‌توان دو قلمرو برای باغ ایرانی در نظر گرفت. قلمرو اول، محدود به میانرودان و حاشیه دجله (تصور رایج از محدوده باغ ایرانی) و محدوده وسیع‌تر دوم از غرب تا قلب اروپا (باغسازی فرانسوی) و از شرق تا استان سین‌کیانگ^۱ چین و از جنوب تا سواحل شرقی آفریقا است که در آن می‌توان آثاری از فرهنگ باغ ایرانی را مشاهده کرد.

سابقه پژوهش

درباره اثرگذاری باغ ایرانی بر سایر سبک‌های باغسازی در سرزمین‌های دیگر، مقالات و پژوهش‌های متعددی انجام شده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران در جهان، این اثرگذاری غالباً به دو دسته تقسیم شده است: بخشی از این اثرگذاری بر روی همسایگان شرقی که تا هند را پوشش می‌دهد و بخش دیگر بر روی سرزمین‌های غربی که شام و شمال آفریقا تا جنوب اسپانیا را در بر می‌گیرد.

از گروه اول پژوهش‌ها، که به تأثیرگذاری باغسازی ایرانی بر سرزمین‌های شرقی به‌ویژه باغسازی هندی اشاره دارد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: سابلتنی (۱۳۸۷) از طریق اسناد تاریخی به مهاجرت معماران و باغسازان ایرانی به هند پرداخته و معتقد است که این مهاجرت‌ها عامل اصلی تأثیرپذیری باغ هندی از باغ ایرانی است. انصاری (۱۳۹۰) به شباهت‌ها و تفاوت‌های باغ ایرانی و هندی پرداخته و چهار گونه باغ ایرانی را الگوی غالب باغ‌های هندی و دلایل تفاوت را با اقلیم و فرهنگ هند مرتبط می‌داند. حیدرنتاج (۱۳۹۲) در پژوهش خود به عامل تأثیرپذیری باغ هندی از باغ ایرانی اشاره کرده و شخص بابر و مهاجرت نویسنده کتاب «ارشاد الزراعه» به هند را عامل کلیدی در این زمینه می‌داند. جمشیدیان (۱۳۹۳) معتقد است که باغ هندی در ساختار کلی مشابه باغ ایرانی و در جزئیات و تزیینات متفاوت ساخته شده است. سلطانی (۱۳۹۳) به بررسی تطبیقی مفاهیم باغ ایرانی در سرزمین هند پرداخته و باغ هندی را زیرمجموعه باغ ایرانی دسته‌بندی می‌کند. حسین (۱۳۹۴) براساس شواهد ادبی معتقدند که باغ هندی در رابطه‌ای تنگاتنگ با باغ ایرانی ساخته شده است. پیامنی و پازوکی (۱۳۹۵) وجوه مشترک ادبی، فرهنگی، هنری و تاریخی بین ایران و هند را عامل تعامل این دو سرزمین در زمینه باغسازی می‌داند و نهایتاً شکری

نیری (۱۳۹۸) در پژوهش اخیر خود الگوی چشمه‌عمارت را مورد کنکاش قرار داده و معتقد است که این الگوی باغ مورد پسند حاکمان مغول بوده و در نتیجه به سرزمین‌های شرقی راه یافته است.

دسته دوم پژوهش‌ها به اثرگذاری باغ ایرانی بر غرب و باغ‌های شمال آفریقا و جنوب اسپانیا پرداخته است. از جمله مانوئل گمز آنواربه (۱۳۸۳) کاربرد عنصر آب در باغ‌های اسپانیا را یک ایده کاملاً ایرانی می‌داند و بر این اساس معتقد است باغ‌های اسپانیا در دوره اسلامی بازتاب باغ ایرانی هستند. سلطانی (۱۳۹۱) با بررسی ساختار باغ‌های اسپانیا، نظام استقرار و خرده‌فضاها به این نتیجه می‌رسد که زیبایی‌شناسی ایرانی در باغ‌های دوره اسلامی اسپانیا متجلی شده است.

دو نکته در خصوص پژوهش‌های پیشین به چشم می‌آید: نخست آنکه استدلال پژوهشگران غالباً بر یک عامل محدود استوار است و کمتر به همه جوانب باغ ایرانی و فرهنگ ناشی از آن پرداخته‌اند که به‌صورت چندجانبه بر باغ‌های سرزمین‌های شرقی و غربی تأثیر گذاشته است و دوم آنکه میزان اثرگذاری بر باغ‌ها از شرق محدود به هند و از غرب محدود به جنوب اسپانیا شده است.

این پژوهش قصد دارد شواهد و مدارکی را علاوه بر تحلیل‌های فرمی ارائه کند که نشان می‌دهد باغ ایرانی بیش از آنچه تصور می‌شود بر سبک‌های باغسازی مؤثر بوده است، همچنین گستره جغرافیایی تأثیرگذاری فراتر از یافته‌های پژوهش‌های پیشین است و محدوده بزرگ‌تری را در بر می‌گیرد.

میراث باغ ایرانی

در این بخش به مستندات و دلایلی پرداخته می‌شود که در حوزه‌های مختلف به انتقال فرهنگ باغسازی ایرانی اشاره دارد. این شواهد به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به باغ ایرانی و فرهنگ متناظر آن ارتباط دارد.

• واژگان

ریشه واژه‌ها در یک زبان می‌تواند منشأ پدیده‌های مرتبط با آن را روشن کند. به‌عنوان مثال واژه «واکسن» در زبان فارسی دلالت بر منشأ فرانسوی آن دارد و به ظهور یک پدیده جدید در پزشکی اشاره می‌کند که از فرانسه وارد ایران شده است. زبان مقصد زمانی از یک واژه بیگانه استفاده می‌کند که معادلی در آن زبان نداشته باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اساساً آن پدیده برای فرهنگ مقصد یک امر نو ظهور است.

در تاریخ باغ و منظر مشهورترین واژه در این باره احتمالاً «پردیس» یا «پارادایزه» است که از زبان پارسی به سایر زبان‌ها راه یافته و به واژه پارادایس^۲ تبدیل شده است. این روند انتقال نشان‌دهنده قدمت مفهوم باغ در نزد ایرانیان

می‌شود. مردمان ساکن این سرزمین «اویغورها» هستند که به زبان بومی خودشان یعنی «تویغور» صحبت می‌کنند.

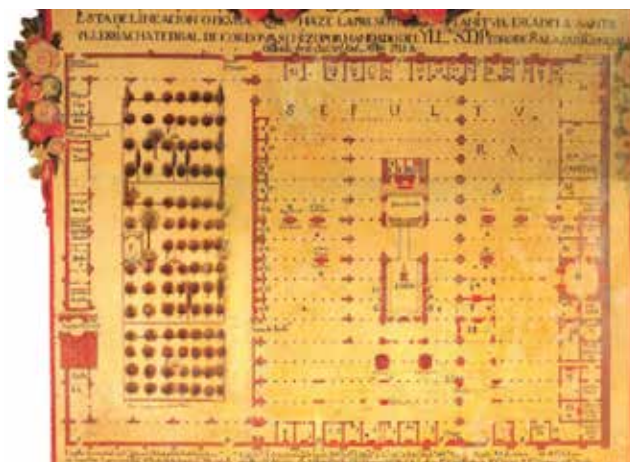
امروزه در این زبان برای باغ از معادل «باغچا یا باغ» استفاده می‌شود. به باغ گل می‌گویند «گلزار یا گلیستان» و برای گل نرگس از «نرگیز» استفاده می‌کنند.

در شرق قاره آفریقا «زبان سواحیلی» زبان رسمی کشورهای تانزانیای، کنیا و اوگانداست و یکی از مهم‌ترین زبان‌های این قاره به‌شمار می‌رود. در حدود هزار سال پیش ایرانیان شیرازی‌الاصل به این منطقه مهاجرت کردند و تأثیر عمیقی بر فرهنگ شرق آفریقا بر جای گذاشتند.

از بررسی زبان سواحیلی می‌توان به حضور مظاهر فرهنگ ایرانی در این سرزمین‌ها پی برد. عرب احمدی (۱۳۸۵) به رابطه و میزان نفوذ زبان فارسی در زبان سواحیلی پرداخته و به



تصویر ۱. نارنجستان کلیسای جامع شهر سویل، اسپانیا. مأخذ: www.flicker.com



تصویر ۲. پلان کلیسای جامع کوردوبا که در سال ۱۷۴۱ میلادی ترسیم شده است. نارنجستان این کلیسا در تصویر دیده می‌شود. مأخذ: Ruggles, 2008.

نسبت به سایر اقوام است. اما واژه‌های دیگری نیز هستند که از ایران به باغسازی سایر نقاط دنیا راه یافته است. - واژه «نارنجستان»

در اسپانیا به حیاط مشجر مساجد دوره اسلامی (که بعدها تبدیل به کلیسا شدند) یا به باغ خلوت عمارت‌های بزرگ می‌گویند: «Patio de los Naranjos». احتمالاً امروزه اسپانیایی‌ها دقیقاً معنای واژه «Naranjos» را ندانند و حتی اطلاعی از منشأ این واژه نداشته باشند، اما «حیاط نارنج‌ها» برای ایرانیان دارای معنی متفاوتی است.

در واقع «نارنجستان» معادل مناسبی برای این فضاست و طبق تعریف براتی (۱۳۸۳) جایی است که در آن درخت نارنج و دیگر مرکبات را عمل می‌آورند. این نوع باغ برای ایرانیان بسیار آشناست. اما چگونه می‌توان اثبات کرد که این الگوی باغسازی از ایران به اسپانیا راه یافته است؟

واژه «نارنج» که یک واژه پارسی است به شکل «نارنج» به زبان عربی راه یافته از طریق مسلمانان به زبان اسپانیایی رسیده و لغت «Naranjos» متناظر با آن است. فرهنگ لغت کولینز (Collins English Dictionary, 2006) منشأ این واژه را زبان سانسکریت می‌داند که به تدریج به زبان‌های اروپایی راه یافته است.

معروف‌ترین نارنجستان‌های اسپانیایی مربوط به کلیسای جامع شهر سویل (تصویر ۱) و کلیسای جامع شهر کوردوبا (تصویر ۲) است همچنین کاخ ویانا در شهر کوردوبا نیز دارای یک نارنجستان است.

اما سفر واژه «نارنجستان» به اسپانیا ختم نمی‌شود. یکی از الگوهایی که باغسازی دوره رنسانس از باغ‌های اسپانیا وام گرفته فضایی است که برای نگهداری مرکبات اختصاص داده شده است. با توجه به اقلیم متفاوت اروپای مرکزی، نگهداری مرکبات در گلخانه‌ها ضرورت داشت، از این رو «نارنجستان» در باغ‌های فرانسوی به فضایی مسقف اطلاق می‌شود که انواع مرکبات در آن نگهداری می‌شود و درختان کاشته‌شده در گلدان‌های بزرگ در فصل‌های مناسب به فضای باز منتقل می‌شوند. معادل فرانسوی نارنجستان واژه «orangerie» است که از واژه «orange» گرفته شده و دلالت به باغ مرکبات دارد. این عنصر به بخش جدایی‌ناپذیر باغ‌های فرانسوی بدل شد و بعدها به باغ‌های انگلیسی نیز راه یافت. - واژه «باغ»

براتی (۱۳۸۳) به تفصیل درباره ریشه واژه «باغ» در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی سخن گفته است. همچون واژه «پارادائزه» می‌توان سیر این واژه را نیز در فرهنگ‌های دیگر جست‌وجو کرد.

استان سین‌کیانگ چین سرزمینی است که در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و محل تعامل شرق با آسیای میانه محسوب

به‌عنوان نمونه، اروپا شناختن پرتغال را مدیون اعراب است، بدین ترتیب که پس از ترویج آن در ایران، عربستان و مصر، به عمان و عراق رفته و سپس به شام و از آنجا به اروپا راه یافته است (همان، ۸۸).

بنابراین می‌توان ردپای برخی گونه‌ها را در مسیر انتقال به سایر سرزمین‌ها مورد کنکاش قرار داد و از این طریق میزان نفوذ آنها را در فرهنگ باغسازی بررسی کرد.

- انار

منشأ میوه انار را ایران و شمال هندوستان دانسته‌اند (Morton, 1987). این میوه در فرهنگ باستانی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد (تصویر ۳). به همین دلیل در باغسازی ایرانی و آثار مرتبط با باغ، درخت انار یک گونه مورد توجه است. ردپای این میوه را می‌توان در باغسازی آندلس یافت. در حالی که این گونه بومی منطقه اسپانیا نیست، اما همراه با فرهنگ باغسازی ایرانی و اسلامی به شمال آفریقا و سپس به اروپا راه یافته است.

در یک حجاری در باغ الحمراء یک نمونه شاخص از حضور انار قابل رؤیت است (تصویر ۴). به همین ترتیب در تزیینات خانه‌ها و کلیساها و همچنین نقوش گیاهی این میوه به کار رفته است.

«دروازه انارها»^۲ در کاخ الحمراء شاهد دیگری از حضور پرنگ میوه انار در باغسازی اسپانیا در دوره اسلامی است.

- مرکبات

به‌نظر می‌رسد که مرکبات به دلیل همیشه سبز بودن، نقش مهمی در باغسازی ایران داشته است. منشأ مرکبات کوهپایه‌های هیمالیاست و شواهد زیر نشان می‌دهد که از طریق مسلمانان به سرزمین‌های اروپایی راه یافت.

در اروپا، مورها پرتقال را به اسپانیا معرفی کردند (Trillo San José, 2003). مرکبات، از جمله نارنج، در قرن نهم به سیسیل ایتالیا رسید، اما پرتقال شیرین در اواخر قرن پانزدهم یا آغاز قرن شانزدهم وارد منطقه مدیترانه شد (Morton, 1987).

اندکی پس از آن، پرتقال شیرین به‌سرعت به‌عنوان یک میوه خوراکی پذیرفته شد. همچنین این میوه یک کالای لوکس محسوب می‌شد و تنها افراد ثروتمند امکان تهیه آن را داشتند.

تا سال ۱۶۴۶ م. پرتقال شیرین در سراسر اروپا به‌خوبی شناخته شده بود. لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه عاشق درختان نارنج و پرتقال بود و بزرگترین نارنجستان سلطنتی را در کاخ ورسای بنا کرد (Leroux, 2002). باغ ولوویکنت که نخستین

باغ به سبک فرانسوی است در زمان لویی چهاردهم دارای هزار اصله درخت مرکبات بوده است (Mitford, 1966) (تصویر ۵).

با توجه به آنچه گفته شد، درختان مرکبات که در باغ‌های ایرانی گونه‌ای تحت عنوان نارنجستان را به خود اختصاص داده بود از طریق مسلمانان به اسپانیا و جنوب ایتالیا رسید و به یک گونه مهم در باغسازی فرانسوی بدل شد.

حدود ۱۰۰ واژه اشاره می‌کند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم وارد این زبان شده است.

در میان این ۱۰۰ واژه راه‌یافته به زبان سواحیلی، واژه «بوستانی» برای باغ و «نیروزی» برای نوروز و واژه «روشنی» برای تراس یا بالکن و از همه مهم‌تر واژه «منظری»^۳ برای منظر، بر تأثیر این حوزه از فرهنگ ایرانی در شرق آفریقا دلالت می‌کند.

زانگری و رحمتی (۱۳۹۱) به نفوذ واژه باغ در امپراتوری عثمانی اشاره می‌کنند و بر آن‌اند که کلمات «باغ» و «بوستان» در سرزمین عثمانی متداول بوده تا جایی که این کلمات کاملاً جذب زبان ترکی شده‌اند، با اقتباس از کلمه بوستان باغبان‌ها را بوستانچی یا بوستانچی می‌نامیدند. کلمه «باغ» نیز در موارد بسیاری به کار رفته است. از جمله «فنه باغ» به معنای باغ فانوس‌ها، «باغچه کوی» به معنای شهر باغ.

حضور واژگان فارسی مرتبط با باغ و منظرپردازی در زبان اویغور و زبان سواحیلی حاکی از تأثیرگذاری عمیق فرهنگ ایرانی بر این سرزمین‌ها است. اگرچه آثار باغسازی و معماری در این مناطق ممکن است در گذر زمان از بین رفته باشند، اما ماندگاری کلمات در زبان روزمره شاهدهی بر این موضوع است که پیش از تعامل با فرهنگ ایرانی، فاقد چنین مفاهیمی بوده‌اند و پس از آشنایی با آن، همان واژگان فارسی را در زبان بومی خود به کار بسته‌اند.

- واژه «کوشک»

کوشک که یکی از عناصر اصلی باغ ایرانی به‌شمار می‌رود به فرهنگ‌های دیگر نیز راه یافته است. این واژه که در زبان لاتین به «kiosk» بدل شده است در زبان اویغورها از معادل «کوشک» یا «راواق» برای آن استفاده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر دو واژه لاتین و اویغور مستقیماً از واژه فارسی برگرفته شده است.

واژه «کوشک» در قلمرو عثمانی نیز راه یافته و به معنای عمارتی شاخص و مجزا از باغ بوده است (همان).

بی‌شک واژگان بیشتری را می‌توان در این زمینه یافت که بر نقش باغ ایرانی در سرزمین‌های مذکور تأکید می‌کند. این چند واژه به‌عنوان مصداقی ملموس از ماندگاری فرهنگ در زبان و ادب مورد تحلیل قرار گرفت. اما مؤلفه‌های دیگری نیز در تعیین حوزه نفوذ باغ ایرانی مؤثر هستند که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

• گونه‌های گیاهی

زانگری و رحمتی در کتاب «باغ‌های ایرانی-اسلامی» به‌طور مفصل به موضوع گیاهان پرداخته و نحوه نشر و گسترش آنها را در سرزمین‌های مختلف بررسی کرده‌اند. آنان معتقدند عثمانی‌ها گیاهان و فرهنگ باغسازی که از شرق خود (ایران) اقتباس کرده بودند به وین، ونیز و سایر شهرهای اروپایی وارد کردند (همان، ۹۸).

دومین عامل انتقال این نقوش را می‌توان در قالی ایرانی جست‌وجو کرد. قالی‌های ایرانی از دیرباز بازتاب باغ ایرانی بوده‌اند و «قالی‌های باغی» یکی از دسته‌های اصلی قالی ایرانی محسوب می‌شود (تصویر ۸).



تصویر ۳. نقش انار در دیوارهای کاخ تیسفون، دوره ساسانی. مأخذ: www.metmuseum.org



تصویر ۴. نقش انار در مجموعه الحمراء، گرانادا، اسپانیا. مأخذ: www.alamy.com

• زیبایی‌شناسی - بی‌کرانگی

منصوری (۱۳۸۴) یکی از مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی باغ ایرانی را «بی‌کرانگی» می‌داند. بهشتی (۱۳۸۷) نیز معتقد است باغ ایرانی لایتناهی است، گویی همه جهان را در خود منعکس کرده و ادراک انسان در باغ ایرانی یک «ادراک لایتناهی» است. همچنین این ویژگی به عظمت و شکوه یک باغ نیز کمک می‌کند. اکنون باغ‌های قرون وسطی اروپایی را در نظر بگیریم: باغ‌صومعه‌هایی که مساحت محدودی دارند و محصوریت آن کاملاً عیان است. حتی در دوره روم باستان، مجموعه‌هایی مانند ویلای آدریان فاقد چنین ویژگی است.

چگونه باغسازان اروپایی به یکباره از باغ‌صومعه‌های کوچک به باغ‌های بیکران، همچون ورسای، رسیدند؟ به نظر می‌رسد که این ایده بیکرانگی با تأثیرپذیری از باغ‌های آندلس شکل گرفته و در باغ‌های فرانسوی بسط یافته است.

مواجهه اروپاییان با باغ‌های اسلامی پس از فتح اسپانیا زمینه شکل‌گیری باغ‌های رنسانس را فراهم کرد و الگوها و اندیشه زیبایی‌شناسی ایرانی-اسلامی به باغ‌های اروپایی راه یافت. زانگری و رحمتی (۱۳۹۱، ۹۸) به استناد رابطه عثمانی با اروپا، این انتقال فرهنگی را از طریق عثمانی به غرب می‌دانند و بر آنند که ترک‌ها سعی در تکرار فرهنگ ایرانی در باغ‌های خود کرده‌اندند و باغ‌های عثمانی پایه و اساس باغ‌های «خوش‌منظره»^۵ در اروپا شده است. رحمتی براساس میناتورها و مشاهدات جهانگردان اروپایی نتیجه می‌گیرد که آنانولی از مناطقی بوده که طرح چهار باغ ایرانی را در خود توسعه داده است. او برای نمونه به باغ قصر آرتوقید و باغ قصر قبادآباد اشاره می‌کند (همان، ۳۶۵).

بنابراین علاوه بر باغ‌های اسلامی اسپانیا، مراوده اروپاییان با حکومت عثمانی زمینه انتقال زیبایی‌شناسی ایرانی به غرب را رقم زد.

- نقوش اسلیمی یا آرابسک

در باغسازی فرانسوی به نقش و نگارهای پیچیده و منحنی که درون کرت‌های باغ با نقش گلها تزئین می‌شود آرابسک می‌گویند (تصویر ۶). اگرچه استفاده از فرم‌های گیاهی در شام و مصر و یونان رواج داشته است، اما استفاده از آن به واسطه امویان به معماری جنوب اسپانیا (آندلس) راه یافت. به همین دلیل از اصطلاح «آرابسک» یا «عرب‌وار» برای این نقوش که طرح‌های پیچیده‌تری داشت و از قرن نهم میلادی به بعد رواج یافت استفاده می‌کنند.

اکنون این سؤال مطرح است که نقوش اسلیمی در باغسازی فرانسوی (تصویر ۷) چه ارتباطی با باغ ایرانی دارد؟ دو نظریه می‌توان در این زمینه مطرح کرد: نخست آنکه این شیوه از نقش‌پردازی همان‌طور که از نامش پیداست از طریق اعراب به سیسیل، آندلس و سرزمین‌های حاشیه مدیترانه راه یافته و سپس در طرح‌اندازی باغچه‌های گل مورد استفاده واقع شده است.

بزرگترین تأثیر را بر غرب و شرق می‌گذارد (Anuarbe, 2003). از مجموعه «مدینه الزهراء» در نزدیکی کوردوبا به‌عنوان مثالی در این زمینه نام برده و اعتقاد دارد که این سنت همچنان در فرهنگ آندلس حفظ شده و بر فرهنگ کاربرد آب و سیستم‌های آبیاری پس از خود در اروپا تأثیرگذار بوده است.



تصویر ۵. باغ ولویکنت که نخستین باغ به سبک فرانسوی محسوب می‌شود و دارای هزار اصله درخت مرکبات بوده است. مأخذ: www.gardenvisit.com.



تصویر ۶. نقش اسلیمی (آرابسک) در کاخ الحمراء، گرانادا، اسپانیا. مأخذ: www.wikipedia.org.



تصویر ۷. نقوش اسلیمی (آرابسک) در میان نارنجستان در باغ ورسای فرانسه. مأخذ: www.luxuo.com.

به‌نظر می‌رسد که قالی‌های ایرانی با طرح باغ (تصویر ۸) از طریق جاده ابریشم به سرزمین‌های اروپایی راه یافته و سپس منبع الهام باغسازان دوره رنسانس از جمله «آندره لونوتر» واقع شده است.

- محور کشیده

براتی، آل‌هاشمی و میناتور سجادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود، کهن‌الگوی «چهارباغ» را مورد تشکیک قرار داده و به‌جای آن باغ ایرانی را دارای کهن‌الگوی محوری می‌داند که یک مسیر کشیده نقش بنیادی در نظام باغ دارد. این الگو منطبق با جهان‌بینی ایرانیان و تفسیر آنان از هستی است.

اگر محور طولی به‌عنوان کهن‌الگوی باغ ایرانی پذیرفته شود، آنگاه اثرگذاری آن بر باغ‌های شالیمار در شرق و باغ‌های فرانسوی در غرب روشن‌تر می‌شود (تصویر ۹). این مؤلفه زیباشناسانه در ساختار باغ، که به بیکرانگی و عظمت باغ و همچنین جهت‌دهی به مخاطب کمک می‌کند، در شبه‌قاره هند برای تأکید بر کوشک (و عمدتاً مقبره) و در فرانسه برای ایجاد پرسپکتیو یک‌نقطه‌ای و تداعی عظمت، مورد استفاده قرار گرفته است. در نتیجه به‌نظر می‌رسد که کنسپت اولیه در نزد ایرانیان با دگردیسی به فرهنگ‌های دیگر راه یافته است.

- ورود عنصر «خیابان» به شهر

حداقل ۲۰۰ سال زودتر از آنچه در فرانسه تحت عنوان بسط الگوی باغسازی در شهرسازی اتفاق افتاد در ایران دوره صفوی این الگو در شهرهای قزوین و اصفهان پیاده شده بود (تصویر ۱۰).

خیابان واژه‌ای فارسی به معنی گلزار و چمن بوده و راسته‌ای است که برای عبور و مرور در باغ می‌سازند و کناره‌های آن را گلکاری می‌کنند (براتی، ۱۳۸۳). بنابراین «خیابان» یک عنصر از باغ ایرانی است که در دوره شاه طهماسب صفوی برای اولین بار در شهر قزوین به ساختار شهر راه یافت. پس از آن در دوره شاه عباس در اصفهان در ادامه همین الگو، محور چهارباغ احداث شد که گردشگاهی مشجر و طولی در شهر اصفهان بود و استخوان‌بندی توسعه شهر را شکل می‌داد.

همین کنسپت به فاصله دو قرن بعد، در دوره باروک، از ساختار باغ‌های فرانسوی به درون شهرها رفت و بلوارها و گردشگاه‌های خیابانی^۶ را به شهرهای فرانسوی اضافه کرد.

اگرچه آتیلیو پتروچلی^۷ قدمت حضور عنصر «خیابان» در شهر را به عهد تیموریان نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «خیابان یک جاده منحصربه‌فرد است؛ یک گذرگاه که در حاشیه آن درختان پرسایه‌ای قرار دارند و در قلمرو تیموریان بسیار به چشم می‌خورد» (به نقل از زانگری و رحمتی، ۱۳۹۱، ۱۳۶). چنانچه نظر او را بپذیریم، آنگاه قدمت ریشه بلوارهای اروپایی به عهد تیموریان بازمی‌گردد.

• آب و نظام آبیاری

آنواربه معتقد است که نحوه استفاده از آب در باغ ایرانی



الف

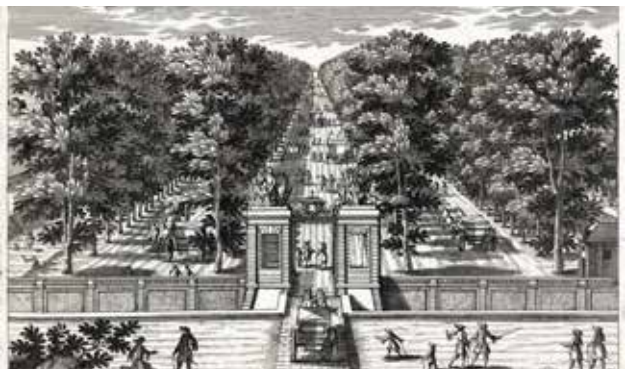


ب

تصویر ۹. الف) محور اصلی باغ ورسای. مأخذ: www.en.chateauversailles.fr
ب) محور اصلی باغ نشاط در شالیمار. مأخذ: www.en.wikipedia.org



الف



ب

تصویر ۱۰. الف) خیابان چهارباغ اصفهان. مأخذ: www.isfahanaks.ir
ب) گردشگاه ملکه در پاریس. مأخذ: www.gobikeparis.fr



تصویر ۸. قالی ایرانی از قرن شانزدهم میلادی در موزه لوور پاریس.
مأخذ: www.cityrugs.com

مورتون (Morton, 1987) در خصوص نارنجستان‌ها به این نکته اشاره می‌کند که صرفاً گونه گیاهی نبوده است که به فرهنگ اروپایی منتقل شده، بلکه نظام آبیاری نارنجستان‌ها نیز در باغسازی رنسانس به کار گرفته شده است.

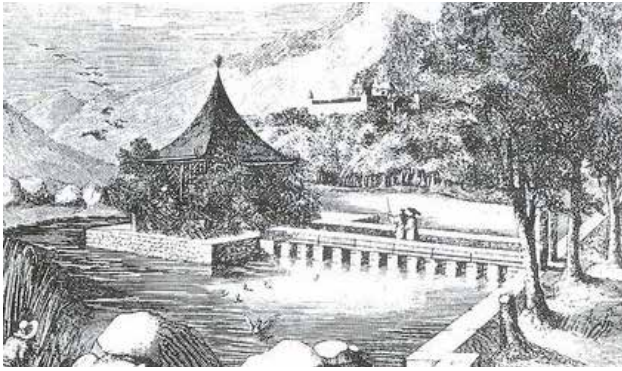
در زمان حکومت صفویه مصادف با رنسانس در اروپا، به دستور فلپ دوم، پادشاه اسپانیا، باغ لافرساندا^۱ در نزدیکی مادرید ساخته شد. این باغ متشکل از تعداد زیادی استخر بود که کوچک‌ترین آنها یک جزیره در میان داشت. به نظر او باغ‌های اسپانیا در بسیاری موارد وجه مشترکی با باغ‌های ایرانی، از جمله عباس‌آباد بهشهر و ائل‌گلی تبریز، دارد (Anuarbe, 2003) (تصویر ۱۱).

نظام تأمین آب در فلات ایران براساس قنات است. این سیستم با گسترش اسلام در سیسیل و اسپانیا به کار گرفته شد. آثار قنات در مادرید اسپانیا تا سال ۱۹۳۰ همچنان وجود داشت و بخشی از شبکه آبرسانی شهر بود (زانگری و رحمتی، ۱۳۹۱: ۴۶). از طریق مسلمانان، این شیوه تأمین آب در مراکش نیز به کار رفت و به نام «عین» یا «ختاره» نامیده می‌شود (همان). به منظور ذخیره آب، از آبگیرهای وسیع و مستطیل شکل استفاده شد، الگویی مشابه آنچه در ایران وجود داشت. آبگیر حیاط زنان در کاخ الحمراء، آبگیر کاخ بحیره در سویل اسپانیا و آبگیر باغ مناره در مراکش نمونه‌هایی از این الگوی ذخیره آب است.

- آبگیر وسیع و شاه‌نشین (چشمه‌عمارت)

شکاری نیری (۱۳۹۸) در پژوهش خود الگوی احداث آبگیر بزرگ که بنایی در میانه آن باشد را تحت عنوان «چشمه‌عمارت» مورد بررسی قرار داده و معتقد است که حضور این الگو در باغ‌های شبه‌قاره هند به علت مهاجرت معماران و هنرمندان ایرانی بوده که در دوره گورکانیان مورد استقبال قرار گرفت.

اما در دیگر سوی جهان، یعنی در مراکش باغ مشابهی در قرن دوازدهم میلادی در کوهپایه‌های اطلس، با عنوان «باغ‌های



تصویر ۱۱. باغ لافرسندا که آنواربه معتقد است از الگوی باغ‌های بهشهر الهام گرفته شده است. مأخذ: www.alamy.com



الف



ب



ج

تصویر ۱۲. الف) باغ حیران مناره، لاهور پاکستان. مأخذ: www.zameen.com
ب) باغ ائل‌گلی تبریز. مأخذ: www.pinterest.com
ج) باغ مناره نزدیک شهر مراکش www.pinterest.com

مناره» ساخته می‌شود که داری یک استخر وسیع است. نکته مهم آنکه شیوه تأمین آب این استخر از طریق فناتی است که از کوه‌های اطلس نشئت می‌گیرد (تصویر ۱۲).

• مهاجرت معماران و باغسازان

سابتنلی (۱۳۸۷) در پژوهشی که درباره باغ‌های هندی انجام داده سه نسل از خانواده میرک‌ها را، که باغبان سلطنتی بوده‌اند، شناسایی کرده که در عصر تیموری در آسیای میانه می‌زیسته و سپس به هندوستان مهاجرت کرده‌اند.

در خلال این مهاجرت‌ها، الگوی باغ ایرانی به سرزمین‌های دیگر رفته و گاهی حتی نام باغ‌های ایرانی را به خود گرفته‌اند. همچون اسامی باغ‌های سمرقند در آسیای میانه که از نام باغ‌های معروف در شیراز وام گرفته شده است.

زانگری و رحمتی (۱۳۹۱، ۱۰۵) به دعوت امپراطوران عثمانی از گیاه‌شناسان و باغبانان به دربار خویش اشاره می‌کنند و این اتفاق را عاملی برای تبادل گونه‌های گیاهی و الگوهای باغسازی می‌دانند.

بحث

بسیار دشوار است که انتقال پدیده‌ای فرهنگی مانند باغ را در مؤلفه‌های جداگانه بررسی کرد. زیرا تعامل فرهنگی، به صورت پیچیده و درهم‌آمیخته صورت می‌گیرد. نمی‌توان به‌سادگی نظام کاشت، نظام آبیاری و زیبایی‌شناسی ناشی از آن را جداگانه بررسی کرد. در واقع باغ یک کلیت است که انتقال آن به فرهنگ دیگر به شکل امر کلی صورت می‌گیرد و از ایده و مفاهیم تا اجزا و عناصر را شامل می‌شود.

با این حال برای یافتن ردپای باغ ایرانی می‌بایست تمامی مؤلفه‌هایی را که سهمی در فرهنگ ایرانی دارند و در گذر زمان در سرزمین‌های دیگر ادغام شده و یا دگردیسی یافته‌اند بررسی کرد. بدین ترتیب در این پژوهش، میراث باغ ایرانی در جهان از طریق واژگان مرتبط با باغ، مفاهیم زیبایی‌شناسی، گونه‌های گیاهی، الگوهای هندسی، کاربرد آب و نظام آبیاری و عناصر باغ مورد کنکاش قرار گرفته است (تصویر ۱۳).

در حوزه واژگان، از شرق تا سرزمین سین‌کیانگ، از جنوب تا سواحل شرقی آفریقا و از غرب تا اسپانیا و فرانسه شاهد نفوذ واژه‌های فارسی مرتبط با باغ هستیم.

در حوزه گونه‌های گیاهی نیز حضور مرکبات و انار شاهدهی است بر تأثیرپذیری باغ‌های رنسانس از باغ ایرانی که به‌واسطه باغ‌های اسلامی آندلس صورت پذیرفته است.

به‌نظر می‌رسد که زیبایی‌شناسی ایرانی در بیکرانگی باغ و نقوش اسلیمی به باغ‌های فرانسوی راه یافته و به جزء لاینفک این سبک باغسازی بدل شده است.

اهمیت آب و نقش آن در باغ ایرانی هم در شرق بر روی باغ‌های گورکانیان و هم در غرب بر روی باغ‌های شمال آفریقا

شواهد در پنج دسته، که بازتابی از فرهنگ یا اجزای مرتبط با باغ است، نشان می‌دهد که باغ ایرانی به‌عنوان یکی از مکاتب اصلی باغسازی در جهان، نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری باغ‌های دیگر داشته است.

تصویر ۱۴ یک چشم‌انداز جدید از حوزه اثرگذاری باغ ایرانی عرضه می‌کند که مطابق با مستندات است که مورد بحث قرار گرفت. شمال آفریقا و جنوب اروپا، آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند و سین‌کیانگ چین و همچنین شرق آفریقا سرزمین‌هایی است که متأثر از باغ ایرانی بوده و در طی زمان سیر تکامل خود را به‌صورت بومی طی کرده و سبک‌های جدیدی را خلق کرده‌اند. تصویر ۱۵ به‌عنوان یک مصداق، نشان می‌دهد که الگوی باغ ایرانی در شرق و غرب تا چه اندازه مشابهت دارد و از یک ایده ثابت پیروی کرده است. میراث باغ ایرانی به شیوه‌های متنوع در این محدوده جغرافیایی بسط و گسترش یافته و آثار آن تا به امروز باقی مانده است.

این تحقیق امکان بسط و تکامل دارد. بدیهی است که تنها چند مورد مختصر از جوانب و شئون فرهنگی باغ ایرانی که در جهان گسترش یافته در این نوشته ذکر شده است. بنابراین برای شناخت بهتر میراث باغ ایرانی نیاز به پژوهش‌های گسترده‌تری است تا عمق نفوذ این محصول فرهنگی در جهان آشکار شود.



تصویر ۱۴. قلمرو سرزمینی ایران و محدوده اثرگذاری باغ ایرانی. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۵. راست: مینیاتور مربوط به دوره گورکانیان. چپ: مصداق ساخته‌شده آن در مجموعه الکزر شهر سویل اسپانیا. مأخذ: Ruggles, 2008.



تصویر ۱۳. مؤلفه‌های مورد استفاده برای تبیین میراث باغ ایرانی. مأخذ: نگارنده.

و اسپانیا اثرگذار بوده است. نظام آبیاری و چشمه عمارت‌ها در هر دو سرزمین مشابه باغ‌های ایرانی است و تأثیرپذیری آنها انکارناپذیر است.

مهاجرت معماران و باغسازان ایرانی یکی دیگر از علل بسط الگوی باغ ایرانی در جهان است. از مهاجرت به شبه‌قاره هند، که اسناد متعددی از حضور ایرانیان در دربار گورکانیان وجود دارد، تا مهاجرت شیرازی‌ها به زنگبار که کمتر مورد پژوهش واقع شده و مستندات اندکی در اختیار است، همگی کمابیش به حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی و ورود باغ به این سرزمین‌ها حکایت دارد.

نتیجه‌گیری

باغ ایرانی یک فرهنگ است. ردپای این فرهنگ را تا جایی که مظاهر آن حضور و بروز دارد، می‌توان جست‌وجو کرد. بنابراین در پژوهش حاضر آثار مستقیم و ضمنی از باغ ایرانی که در جهان بسط و گسترش یافته شناسایی و معرفی شد.



پی‌نوشت‌ها

۵. Belveder
۶. Promonade
۷. Attilio Petrocelli
۸. la fresneda

۱. Xinjiang
۲. paradise
۳. mandhari
۴. Gate of the Pomegranates

فهرست منابع

- آنواربه، مانوئل گمز. (۱۳۸۳). باغ‌های ایرانی و اسپانیایی (ترجمه ویدا ابیان). موزه‌ها، (۴۱) (ویژه‌نامه همایش و نمایشگاه باغ ایرانی)، ۲۸-۲۹.
- انصاری، مجتبی. (۱۳۹۰). منظر در ایران و هند. منظر، ۳(۱۳)، ۶-۷.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۳). باغ و باغسازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی. باغ نظر، (۲)، ۳-۱۵.
- براتی، ناصر؛ آل‌هاشمی، آیدا و میناتور سجادی، آرمان. (۱۳۹۶). جهان‌بینی ایرانیان و شکل‌گیری الگوی محوری باغ ایرانی. منظر، (۴۱)، ۶-۱۵.
- بهشتی، سیدمحمد. (۱۳۸۷). جهان باغ ایرانی. گلستان هنر، (۱۲)، ۷-۱۵.
- پیامی، بهناز و پازوکی، معصومه. (۱۳۹۵). نقش ادبیات و فرهنگ ایرانی در معماری باغ‌های هند. سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی، (۳۴)، ۲۶۳-۲۸۴.
- جمشیدیان، محمد. (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسی باغ‌های ایرانی هند. هنر و تمدن شرق، (۳)، ۲-۱۴.
- حسین، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). منظر هندی-ایرانی باغ‌های دکن در جنوب هند (ترجمه رضا کسروی). منظر، (۳۳)، ۷-۵۶.
- حیدرنتاج، وحید. (۱۳۹۲). انتقال فرهنگ، روند انتقال باغ ایرانی به هند. منظر، (۲۵)، ۶-۹.
- زانگری، لوفیجی؛ رحمتی، نازیکاماندانا و لورنزی، برونکا. (۱۳۹۱). باغ‌های ایرانی-اسلامی (ترجمه مجید راسخی و فرهاد تهرانی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی و قطب علمی طراحی شهری.
- سابتلنی، ماریا اوا. (۱۳۸۷). باغ خیال: واقعیت و خیال (ترجمه داوود طبایی). گلستان هنر، (۱۲)، ۱۶-۲۹.
- سلطانی، مهرداد. (۱۳۹۱). زیبایی ایرانی در آندلس. منظر، (۱۸)، ۴-۱۳.
- سلطانی، مهرداد. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی مفاهیم باغ ایرانی در دو سرزمین ایران و هند. هنر و تمدن شرق، (۳)، ۵-۷.
- شکاری نیری، جواد. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه چشمه‌عمارت در باغسازی ایرانی و گستره آن. اندیشه معماری، (۸)، ۳-۲۱۳.
- عرب احمدی، امیر بهرام. (۱۳۸۵). تأثیر زبان فارسی بر زبان و ادبیات سواحیلی. سخن عشق، (۳۱ و ۳۲)، ۹۹-۱۰۶.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. باغ نظر، (۳)، ۳-۶۳.
- Anuarbe, M. G. (2003). *Jardins du Maroc, d'Espagne et du Portugal: Un art de vivre partagé*. France: Actes Sud.
- Collins English Dictionary. (2006). Crozier, J. (ed.). New York: HarperCollins.
- Leroux, J. B. (2002). *The Gardens of Versailles*. London: Thames & Hudson.
- Mitford, N. (1966). *The Sun King*. London: Sphere Books.
- Morton, J. F. (1987). *Fruits of Warm Climates*. Vermont: Echo Point Books & Media.
- Ruggles, D. F. (2008). *Islamic Gardens and Landscapes*. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, United States.
- Trillo San José, C. (2003). *Agua y Paisaje en Granada. Una Herencia de Al-Andalus*. Granada: Diputación de Granada.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مهربانی گلزار، محمدرضا. (۱۳۹۹). میراث باغ ایرانی، در جست‌وجوی ردپای باغ ایرانی از شرق تا غرب. منظر، ۱۲(۵۰)، ۶-۱۵.

DOI: 10.22034/manzar.2020.218549.2035

URL: http://www.manzar-sj.com/article_105042.html

